

نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی

ابوالحسن امین مقدسی*

اعظم شمس‌الدینی فرد**

چکیده

غدیر از مهم‌ترین سرچشمه‌های جوشان و الهام‌بخش شاعران و ادیبان طی تاریخ به‌شمار می‌آید و شاعران زیادی در این زمینه بیت‌ها سروده و شعرها گفته‌اند که هر یک بیان‌گر میزان ارادت ایشان به آستان مقدس امام علی (ع) است. شعر عربی نیز از این قاعده مستثنی نیست و موضوعات و دست‌مایه‌های غدیریه‌های عربی چنان وسیع است که به بحث خاص و یا شاعری خاص محدود نمی‌شود. با توجه به اهمیت والای موضوع غدیر و بازتاب فراوان آن در اشعار عربی، بر آن شدیم تا اشعار عربی را با تکیه بر درون‌مایه‌ها و اسلوب این اشعار بررسی کنیم. نتایج این تحقیق حاکی است که در میان درون‌مایه‌های فراوان غدیریه‌های عربی موضوعاتی از قبیل ابراز ارادت به امام علی (ع)، اشاره به آیه ولایت، بیعت با امام، نفرین دشمنان، اشاره به خلافت امام، و نکوهش سقیفه بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. از نظر اسلوب سبک قضایده غالباً به‌صورت ایجاز است، اما در برخی موارد شاعران به استطراد و پراکنده‌گویی نیز پرداخته‌اند. غدیریه‌ها غالباً جنبه اقناعی و اثباتی دارند، البته این امر مانع از بهره‌گیری شاعران از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و به‌کارگیری تصاویر شعری بدیع و جذاب نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: غدیریه‌های عربی، ولایت، امام علی (ع)، درون‌مایه‌ها، اسلوب.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، abamin@ut.ac.ir

** استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ولیعصر (عج) رفسنجان، azamshamsoddini@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۲۵

۱. مقدمه

غدیر از مهم‌ترین موضوعات و دست‌مایه‌های شعر اسلامی است که نه منحصر به یک عصر و زمان، بلکه متعلق به همه اعصار از بدو پیدایش آن تا کنون است. در این میان غدیریه‌های عربی نیز هم‌پایه و چه‌بسا بیش از غدیریه‌های دیگر زبان‌ها به این بحث مهم پرداخته و زوایای مختلف آن را به تصویر کشیده‌اند. موضوعات و درون‌مایه‌های شعر غدیر بسیار فراوان است، اما می‌توان همه آن‌ها را زیرمجموعه بحث ولایت دانست. با توجه به اهمیت این بحث مهم در اعتقادات و به تبع آن در ادبیات، بر آن شدیم که درون‌مایه‌های غدیریه‌های عربی را بررسی کنیم. بنابراین غدیریه‌های مهم عربی از قرن اول تا قرن حاضر موضوع کار این مقاله است و در این مجال سعی شده است تا غدیریه‌های عربی در سه بخش کلی درون‌مایه‌ها، اسلوب قصاید، و پردازش زیبایی‌شناسی بحث و بررسی شود که به ترتیب بدان‌ها خواهیم پرداخت. خاطرنشان می‌کنیم در زمینه غدیر تألیفات ارزشمندی صورت گرفته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب معروف *الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب* تألیف علامه امینی اشاره کرد. اثر دیگر علامه امینی *غدیریات* است که خلاصه‌ای از کتاب *الغدیر* اوست. کتاب دیگر *الغدیر فی الأدب الشعبی* اثر حسین بن حسن بهبهانی است. سیدطالب خرسان نیز کتابی با عنوان *غدیریات هادفه* در این زمینه تألیف کرده است. علاوه بر کتاب در زمینه مقاله نیز می‌توان به «*قراءة فی کتاب شعراء الغدیر*» اثر علی مهدی زیتون در مجله *منهاج* چاپ بیروت سال ۱۴۲۰ اشاره کرد.

اما در این تحقیق این سؤالات مطرح می‌شود:

۱. مهم‌ترین درون‌مایه‌های اشعار غدیر چیست؟
۲. اسلوب کلی این قصاید چگونه است؟
۳. غدیریه‌های عربی تا چه حد از زیبایی‌های بیانی بهره برده‌اند؟

۲. بررسی درون‌مایه‌های غدیریه‌های عربی

۱.۲ ابراز ارادت به آستان مقدس امام علی (ع)

اظهار ارادت و دوستی به امام علی (ع) از موارد مهمی است که غدیریه‌سرایان بدان پرداخته‌اند. برای مثال محمد بن عبدالله حمیری، غدیریه‌سرای قرن دوم قمری و شاعر و مدافع امام علی (ع) در بارگاه معاویه، بی‌پروا از ارادت خود به آن امام سخن می‌گوید و

ابوالحسن امین مقدسی و اعظم شمس‌الدینی فرد ۳

از این‌که در راه این دوستی با دشمنان او روبه‌رو شود و آن‌ها را از پای درآورد ترسی به دل راه نمی‌دهد:

ولو أُنِي قَتَلتِ النَّفْسَ حَبَا له ما كان فيها من أُنَام

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۲۱۹)

ترجمه: اگر من در راه دوستی او فردی را بکشم، گناهی بر من نخواهد بود.
دعبل شاعری شیعی است و به علویین و فرزندان علی (ع) تعصبی شدید دارد و این امر از اشعاری که در خلافت عباسی سروده کاملاً مشهود است (بستانی، ۱۹۹۰: ج ۲، ۱۲۲). او حب به اهل‌البیت (ع) را، که علی (ع) نیز از آنان است، معیار قرب به خدا می‌داند و عقیده دارد بدون آن اعمال انسان قبول نمی‌شود و قرب به خداوند حاصل نخواهد شد:

فكيف و من أُنِي بطالب زلفة إلى الله بعد الصوم و الصلوات

سوی حبّ ابناء النبیّ ورهطه و بغض بنی الزرقاء والعبلات

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۳۴۹)

ترجمه: بعد از نماز و روزه چگونه و از کجا می‌توان خواستار قرب به خدا شد جز از راه محبت به فرزندان پیامبر و خاندان او و دشمنی تبار مروان و بنی‌امیه.
صنوبری، که ابن‌شهر آشوب او را از شاعران اهل‌بیت (ع) می‌داند (امین، ۱۹۵۰: ج ۹، ۲۳۶)، در وصف زیبارویان خیری نمی‌بیند و عشق و دوستی خود را در محبت پیامبر (ص)، جانشین او، همسر، و فرزندانش می‌داند:

لا خير في وصف النساء فأعفني عمّا تكلفنيه من وصفها

حبّ النبیّ محمّد و وصیّه مع حبّ فاطمة وحب بنیها

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۳۶۷)

ترجمه: هیچ خیری در وصف زنان نیست، پس مرا از تکلف در توصیف آنان بازدار.
عشق محمد (ص) و جانشینش با عشق فاطمه (س) و عشق دو فرزندش.
ابوفراس، شاعر شیعه‌مذهب آل‌بویه و از شاعران قرن چهارم قمری، نیز از آن دسته شاعرانی است که دوستی صادقانه و محبت خالصانه خود را به این امام‌همام بیان می‌کند و خود را هدایت‌یافته و تربیت‌شده این مکتب می‌داند و با سلاح خود، که همان قلم و شعرش است، از این خاندان دفاع می‌کند:

یا ربّ إنسی مهتد بهداهم لا أهتدی یوم الهدی بسواه
أهوی الذی یهوی النبیّ وآله أبدا وأشناً کلّ من یشناه
وأقول قولاً یستدلّ بآئه مستبصر من قاله ورواه

(ابوفراس، ۱۴۲۸: ۳۴۸)

ترجمه: پروردگارا من به هدایت آنان ره یافته‌ام و روز هدایت به هدایت دیگران نمی‌روم. من همیشه به کسی که پیامبر (ص) و فرزندانش را دوست بدارد عشق می‌ورزم و بد می‌شمارم هر کس که ایشان را بد شمرد و سخنی می‌گویم که دلالت دارد بر بصیرت کسی که آن را می‌گوید یا روایت می‌کند.

شریف رضی، که او را «أشعر قریش» می‌دانند و معتقدند که در میان قریش جز او کسی شعر خوب و زیاد نمی‌گوید (بغدادی، ۱۹۸۶: ج ۲، ۲۴۶)، غدیر را بهانه شادی و ازبین رفتن غم و اندوه می‌داند، به گونه‌ای که به واسطه غدیر شادی‌هایی که رخت بسته بودند، دوباره باز خواهند گشت:

غدر السرور بنا وکان وفاؤه یوم الغدیر

(شریف رضی، ۱۹۹۹: ج ۱، ۴۰۴)

ترجمه: سرور و شادی ما را ترک گفت و تنها روز غدیر به عهدش وفا کرد. وی خود را دوست‌دار قلبی او معرفی می‌کند که آثار این دوستی قلبی بر زبان او جاری و نمایان است:

آثار شکرک فی فمی وسمات ودک فی ضمیری

(همان)

ترجمه: سپاس و ثنایت بر زبان جاری است و آثار مهرت بر دلم آشکار است. قاضی جلیس، غدیری‌سرای قرن ششم، نیز به جای این‌که غزل خود را با عشق به مهرویان و سیم‌تنان شروع کند، ندای عشق را نادیده می‌گیرد و به مهر خاندان عصمت و طهارت دل می‌بندد و ایشان را مدح می‌کند:

تصامت عن داعی الصّبا به والصّبا ولیبیت داعی آل أحمد إذ دعا

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۴، ۳۸۴)

ترجمه: ندای عشق را نشنیده گرفتم و لیبیک منادی خاندان رسالت را اجابت نمودم.

ابوالحسن امین مقدسی و اعظم شمس‌الدینی فرد ۵

هدف او از این کار این است که راه حقیقت جوید و اندیشه تاریک و زنگارگرفته خویش را جلا دهد. او هم ابتدا به عشق زمینی می‌پردازد و گرفتاری‌های خود از اسارت این عشق را بیان می‌کند، سپس درمی‌یابد که چنین عشقی او را قانع نمی‌کند، پس در پی عشق حقیقی می‌رود و آن را در محبت علی (ع) و خاندانش می‌یابد.

عزالدین عاملی، شاعر و غدیره‌سرای قرن دهم قمری، به واسطه محبت به پیامبر (ص) و آل او خود را از هر گونه ملامتی مبرا می‌داند و از این‌که با ولایت پیوند آبا و اجدادی دارد به خود می‌بالد:

إلی ما ألمّ وأمّری شهیر	وأشفق من کلّ نذلّ حقیر
وحبّی النّبئیّ وآل النّبئیّ	وقولی بالعدلّ نعم الخفیر
ولی رحم تقتضی حرمة	ولی نسبة بولائی الخطیر

(همان: ج ۷، ۴۱)

ترجمه: چرا ملامت شوم در حالی که کارم شهرت یافته و از هر چیز فرومایه و بی‌ارزش برکنارم. دوست‌دار پیامبر (ص) و خاندان اویم و به حق و عدل سخن می‌گویم که چه خوب حامی و نگهبانی است. خاندانی دارم که شایسته احترام‌اند و نسبت و پیوندی با ولایت و الامرته دارم.

محمدطاهر قمی، شاعر قرن یازدهم قمری، عشق به علی (ع) را مرهون مادر خود و تربیت صحیح او می‌داند که فرزندش را با عشق و محبت علی (ع) پرورش داده است، به گونه‌ای که این عشق در وجود او ریشه دوانده و خالص و صادقانه شده و چون نوری فراراه او قرار گرفته است و از لغزش به‌دورش خواهد کرد:

قلبی یحبّ علیّاً ذا العلیّ فلذا	أدعو لأُمّی فی الإِبکار والأصل
محبّة المرتضیّ نور لصاحبها	یمشی بها آمنّا من آفة الزلّل
لزمت حبّ علیّ لا أفارقه	وداده من جنانی قطّ لم یزل

(همان: ۲۰۵)

ترجمه: دل من دوست‌دار علی (ع) آن شخصیت و الامرته است. از همین رو در پگاه و شامگاه مادرم را دعا می‌کنم. عشق و محبت علی مرتضی (ع) نوری است که دوست‌دارش را از آفت لغزش در امان می‌دارد. عشق علی (ع) در وجودم همیشگی شده و هرگز از آن جدا نخواهم شد و دوستی او از قلبم زائل‌شدنی نیست.

۲.۲ برائت از دشمنان امام علی (ع)

غدیریه‌سرایان به موازات اظهار ارادت و دوستی خود به امام (ع) تنفر خود را از دشمنان آن حضرت نشان داده و آن را در قالب شعر به تصویر کشیده‌اند، از جمله محمد بن عبدالله حمیری که اعتقاد دارد اعلام برائت به دشمنان امام (ع) اساس مکتب و دین است:

فهذا القول لی دین و هذا إلی لقیاک یا ربی کلامی
برئت من الذی عادی علیا و حاربه من أولاد الطغام

(همان: ج ۲، ۱۷۷)

ترجمه: بار الها تا هنگام ملاقات تو این سخن اساس دین من شمرده می‌شود. من از کسی که با علی (ع) دشمنی کرد بیزارم و با ناپاک‌زادگان و ستم‌گران می‌ستیزم. کمیت بن زید اسدی، شاعر قرن دوم قمری، لحن شدیدتری در بیان تنفر خود به دشمنان آن حضرت به کار می‌برد و بنی‌امیه را مخاطب این برائت قرار می‌دهد و از این‌که مطیع و فرمان‌بر آن‌ها باشد بیزار است و آشکارا آن‌ها را لعنت می‌کند:

فقل لینی أمیة حیث حلّوا وإن خفت المهنّد والقطیعا
ألا أف لدهر کنت فیہ هدانا طائعا لکم مطیعا
أجاء الله من أشبعتموه وأشبع من بجورکم أجمعا

(همان: ۱۸۰)

ترجمه: به بنی‌امیه، در هر جا که فرود آیند، و هرچند که از شمشیر آنان بترسی، بگو: هان بیزارم از روزگاری که در آن از شما بیم‌ناک و فرمان‌بردار و مطیع شما باشم، خداوند گرسنه کند آن کس را که شما سیر کردید و سیر کند آن را که به ستم شما گرسنه ماند.

۳.۲ بیان فضایل امام علی (ع)

غدیریه‌سرایان و ارادتمندان حضرت علی (ع) در اشعار خود سعی بر آن داشته‌اند تا با بیان فضایل و ویژگی‌های منحصر به فرد امام علی (ع) این شخصیت بارز را به همگان شناسانند و با این مقدمات بحث مهم ولایت حضرت را مطرح کنند. در میان فضایل امام (ع) شجاعت ایشان ذهن شاعران بسیاری را معطوف خود کرده است و معمولاً این اشعار در قالب استفهام انکاری و به سبک اقناعی سروده شده است، یعنی شاعر به این امر اتفاق نظر دارد و دلیل سرودن این اشعار و به‌کاربردن این روش فقط تقریر و تأیید مخاطب

ابوالحسن امین مقدسی و اعظم شمس‌الدینی فرد ۷

و جای گرفتن مطلب در ذهن اوست. چنان‌که قاضی نظام‌الدین، شاعر قرن هفتم، در بیان شجاعت امام چنین سروده است:

من المبارز فی وصف الجلال ومن أقام حقاً علی قطع البراهینا

(همان: ج ۵، ۴۳۴)

ترجمه: کیست که در میدان مبارزه و کارزار مبارز و در مقام استدلال اقامه دلیل قاطع می‌کند؟

ابوتمام از امام (ع) به «سیف‌الله» و «سیف‌الرسول» یاد می‌کند که هیچ‌گاه کند نمی‌شود:

هو السیف سیف الله فی کلّ مشهد و سیف الرسول لا ددان ولا دثر

(ابوتمام، ۱۹۹۷: ۲۰۴)

ترجمه: وی شمشیر برآن خدا و رسولش در هر جنگی بود، شمشیری که فرسودگی و کهنگی نداشت.

نظیر این تعبیر را شاعر اندلس، شمس‌الدین مالکی، شاعر قرن هشتم، نیز دارد:

وإن علیاً کان سیف رسوله و صاحبه السّامی لمجد مشید

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۶، ۵۸)

ترجمه: به‌راستی که علی (ع) شمشیر پیامبر (ص) و هم‌نشین نام‌آور وی برای مجد و عزتی محکم و متین بود.

حسین رضا طباطبایی، ادیب، شاعر، و زاهد پرهیزگار (امینی، ۱۹۵۰: ج ۲۶، ۵۸) قرن سیزدهم قمری، امام را دلیرمردی می‌داند که در دل روزگار نیز هراس می‌افکند:

من مرد الصّمّ العتاة سیفه سیف بهابه القضا إن ومضا

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۸، ۱۰۹)

ترجمه: او متجاوزان و گردن‌کشان را با شمشیرش از پای درآورد؛ شمشیری که با درخشش‌اش در دل روزگار ترس و وحشت می‌افکند.

ویژگی دوم امام (ع) که باعث شده شاعران درباره آن داد سخن سر دهند، علم و دانش اوست که شاعران غدیر در بیان توصیف این ویژگی معمولاً به حدیث پیامبر (ص) در این باره اشاره می‌کنند که فرمود: «أنا مدينة العلم و علیُّ بأبها». شمس‌الدین مالکی پس از ذکر ابیاتی چند در مدح این امام هم‌ام، با اقتباس از این حدیث شریف چنین سروده است:

وقال رسول الله إني مدينة من العلم وهو الباب والباب فاقصد

(همان: ج ۶، ۵۸)

ترجمه: پیامبر (ص) فرمود: من شهر علمم و علی (ع) دروازه آن، پس از در وارد شو. ویژگی دیگر امام (ع) زهد و قناعت منحصر به فرد و مثال‌زدنی اوست، همو که دنیا را سه‌طلاقه کرده و دست طمع از آن کشیده است. شمس‌الدین مالکی چه زیبا این حالت را به تصویر کشیده است:

وما زال صواماً منيباً لرّبه	علی الحقّ قواماً كثير التّعبد
قنوعاً من الدّنيا بما نال معرضاً	عن المال مهما جاءه المال يزهد
لقد طلق الدّنيا ثلاثاً وكلماً	رأها وقد جاءت يقول لها إبعدي

(همان)

ترجمه: او پیوسته روزه‌دار و بازگشت‌کننده به سوی معبودش بود، به حق قیام می‌کرد و بسیار عبادت می‌نمود. به آن‌چه از دنیا داشت قناعت می‌کرد، از مال دنیا روی می‌گرداند، هرگاه مالی به او می‌رسید از آن روی‌گردان بود، دنیا را سه‌طلاقه کرده بود، هرگاه آن را می‌دید که به سوی‌اش می‌آید، بدو می‌گفت دور شو.

گفتنی است که شاعر بیت آخر را از کلام امیرالمؤمنین (ع) از نامه ۴۵ نهج‌البلاغه اقتباس کرده است:

يا دنيا يا دنيا إليك عني أبي تعرضت أم إليّ تشوّقت لا حان حينك هيهات غرّى غيرى لا
حاجة لي فيك قد طلقتك ثلاثاً لا رجعة فيها.

ای دنیا، ای دنیا، از من دوری‌گزین، خود را به من عرضه می‌کنی یا آرزومندم شده‌ای؟
زمان وصلت نزدیک مباد، هرگز، غیر مرا فریب ده، که مرا به تو نیازی نیست، تو را
سه‌طلاقه کرده‌ام که آن را بازگشتی نیست.

ضیاء‌الدین هادی، شاعر و دانشمند قرن نهم قمری، او را در همه صفات و فضایل پس
از رسول خدا (ص) برتر می‌داند و از این‌که دیگران را با او مقایسه کنند یا برتری دهند
شگفت‌زده می‌شود:

فهو الخليفة بعد المصطفى وله	فضل التقدّم لم يسجد إلى صنم
فكيف تقدمه من لا يمانله	في العلم والحلم والأخلاق والتّسليم
وفي الشّجاعة والفضل العظيم وفي	التّدير والورع المشهور والكرم

(همان: ج ۷، ۵)

ترجمه: او جانشین بعد از مصطفی (ص) و دارای فضل تقدم است که بر هیچ بتی سجده نکرد. پس چگونه کسی را که در علم و حلم و اخلاق و خصال نیک و شجاعت و فضل بزرگ و تدبیر و ورع و بخشش همانندش نیست بر او مقدم می‌شمرد؟

۴.۲ به‌نظم کشیدن ماجرای غدیر

تمام مواردی که تا کنون بدان پرداختیم، همه مقدمه‌ای بود برای پرداختن به بحث اصلی ماجرای غدیر و بیان ولایت امام (ع) از جانب پیامبر (ص). در همه غدیریه‌ها شاعران به‌نحوی به بیان و شرح این ماجرا پرداخته‌اند، البته روش پرداخت ایشان متفاوت است و شاعران بسته به شعر خود، گاه به تفصیل، این حادثه تاریخی را به‌تصویر کشیده‌اند و جزئیات آن را دقیق بازگو کرده‌اند. بولس سلامه، شاعر مسیحی قرن چهاردهم قمری، از این دسته است. او در ملحمه خود، که مرکزیت و محور آن را امام علی (ع) تشکیل می‌دهد، سیری تاریخی از زندگی امام (ع) در قالب شعر ارائه می‌دهد و پس از ذکر افتخارات و فضایل بنی‌هاشم در عصر جاهلی و حادثه بعثت نبوی به امام علی (ع) می‌پردازد و از فضایل او می‌گوید، سپس به ماجرای غدیر می‌رسد و آن را دقیق توصیف می‌کند، این توصیفات جزئی شامل این موارد بود: وصف انبوه حاجیان،

عاد من حجّة الوداع الخطير ولفيف الحجيج موج بحور
لجّة خلف لجة كأتششار الغيم صبحا فى الفدقد المغمور

(السید، ۲۰۰۴: ۳۰)

ترجمه: پیامبر از آخرین حج مهم خود بازگشت، در حالی که انبوه حجاج هم‌چون امواج دریا او را دربر گرفته بودند. جماعتی در پس جماعت دیگر مانند پراکنده‌شدن ابرهای سحرگاهی در بیابانی وسیع.

گرمای بیش از حد غدیر خم و موقعیت آن:

عرفوه غدیر خمّ ولیس الـ غور إلیا ثماله من غدیر
أی مستنقع وخیم کأنّ الـ سماء فیہ غضارة من قیر

(همان: ۳۱)

ترجمه: آن را به نام غدیر خم می‌شناختند، اما آن گودی جز ته‌مانده‌ای از برکه آب چیزی نبود. یعنی باتلاقی بد آب و هوا که گویی آب آن قیرسیاه باشد.

نگرانی و انتظار پیامبر (ص)، نزول جبرئیل، و وحی آسمانی سخن:

وإذا بالنبیِّ یرقب شیئا	وهو فی مثل جمرة المسجور
جاء جبریل قائلًا: یا	نبیّ الله بلّغ کلام رب مجیر
أنت فی عصمة من الناس فانتز	بینات السماء للجهمور
وأذعها رسالة الله وحیا	سرمدا وحجّة للعصور

(همان)

ترجمه: در آن هنگام پیامبر (ص)، که چون اخگری برافروخته می‌مانست، نگران و منتظر چیزی بود. جبرئیل آمد و ندا در داد: ای پیامبر، کلام پروردگار پناه‌دهنده‌ات را ابلاغ کن. تو از شر مردمان در امانی؛ پس آیات آسمانی را برای همگان منتشر نما و این آیات را که وحی‌ای همیشگی و حجتی برای همه دوران است بیان کن. و وصیت پیامبر (ص) و معرفی امام علی (ع) در مقام ولی:

أیها الناس إنما الله مولا	کم ومولای ناصری ومجیری
ثمّ إنی ولیکم منذ کان الـ	سُدّه طفلا حتّی زوال الدّهور
یا إلهی من کنت مولاة حقّا فعلىّ مولاة من غیر نکیر	
یا إلهی وال الذین یوالون إیـ	من عمّی وانصر حلیف نصیری
کن عدوا لمن یعادیه واخذل	کلّ نکس وخاذل شریر

(همان: ۳۳)

ترجمه: ای مردم همانا خداوند مولای من و شما و یاری‌گر و پناه‌دهنده من است و من از زمان پیدایش روزگار تا ابدیت ولی شما خواهم بود. بار پروردگارا، هر کس که من مولا و سرپرست اویم، از این پس علی (ع) بی‌شک مولای او خواهد بود. خدایا دوست بدار دوستان پسر عمم را و یاری کن هم‌پیمانان یاری‌گر مرا. دشمن بدار دشمنانش را و خوار کن هر انسان پست و حقیر و بدکردار را.

البته باید خاطر نشان کرد که توصیفات بولس سلامه محدود و منحصر به همین موارد نیست و ذکر همه آن‌ها در این مجال کوتاه از عهده نویسنده برنمی‌آید. برخی دیگر از شاعران از جمله حسان بن ثابت انصاری، سید حمیری، ملک صالح، و شیخ کاظم ازری در قالب چند بیت ماجرای غدیر را شرح داده‌اند و جریان ولایت حضرت علی (ع) و اجتماع مردم و بالارفتن از پالان شتران و بلندکردن دست علی (ع) به دست پیامبر (ص) و اعلام

ولایت او از جانب رسول اکرم (ص) را به تصویر کشیده‌اند، مانند غدیریۀ حسان بن ثابت انصاری که به شاعر النبّی نیز مشهور است (تبریزی، بی‌تا: ج ۱، ۳۲۳):

ینادیهم یوم الغدیر نبیّهم بخمّ وأسمع بالرّسول منادیا
وقد جاءه جبریل عن أمر ربّه بأنّک معصوم فلا تک والیا

(حسان بن ثابت، ۱۹۲۹: ج ۲، ۱۴۲)

ترجمه: پیامبر گرامی روز عید غدیر به مسلمانان ندا داد و چه شنوا منادی است رسول اکرم (ص). جبرئیل از جانب حق این حکم آورد که تو در حمایت مایی پس نگران نباش و این کار را رها مکن.

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، شاعر در این غدیریۀ مستقیماً به ماجرای غدیر پرداخته است، البته این ماجرا فقط به خطبۀ پیامبر اکرم (ص) و بلندکردن دست علی (ع) و دعا در حق او و دوست‌دارانش و نفرین دشمنان ایشان محدود می‌شود و از وضعیت مکانی و زمانی غدیر سخنی نمی‌گوید، هم‌چنین از رخداد‌های بعد از غدیر نیز حرفی به میان نمی‌آورد. اما این اولین قصیده‌ای است که درباره‌ی غدیر سروده شده و حسان در حضور بیش از صد‌ها هزار نفر جمعیت، که در میان‌شان سخنوران و شاعران به‌نامی بوده و به دقایق سخنرانی واقف بودند، این قصیده را خواند و فصیح‌ترین مرد عرب که خود رسول اکرم (ص) بود، شاعر را تصدیق کرد و مورد عنایت و لطف خویش قرار داد و فرمود: «لا تزال یا حسان مؤیّدا بروح القدس ما نصرتنا بلسانک» (امینی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۳۴). اما غدیریۀ سرایان دیگر، در لابه‌لای قصاید خود، گذرا و به‌صورت اشاره، به غدیر گریز زده‌اند و ولایت امام را با استناد به ماجرای غدیر به‌عنوان فضیلتی برای وی بازگو کرده‌اند و بدین‌گونه اعتقاد خود به ولایت این امام همام را نشان داده‌اند. در این میان علاوه‌بر اشاره به این جریان مهم بعضی شاعران فواید و آثار ولایت را نیز بازگو کرده‌اند. برای مثال، محمد بن عبدالله حمیری، ایمان واقعی، اطاعت پروردگار، و شفای دل‌های مریضان را از آثار ولایت‌پذیری قلمداد می‌کند:

ولایت‌ه هی الإیمان حقّا فذرني من أباطیل الکرام
وطاعة ربّنا فیها وفیها شفاء للقلوب من السّقام
ولا واللّه لا ترکو صلاة بغير ولاية العدل الإمام

(همان: ج ۲، ۱۷۷)

ترجمه: ولایت او حقیقتاً ایمان است، پس مرا با سخنان بیهوده چه کار؟ اطاعت پروردگار و شفای دل‌های مریض در ولایت او خلاصه شده است.

او ولایت را شرط اصلی قبولی اعمال می‌داند که دیگر عبادات را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد:

ولا والله لا تزكو صلاة بغير ولاية العدل الإمام

(همان)

ترجمه: به‌خدا سوگند، نماز هیچ‌کس بدون ولایت آن امام عادل پذیرفتنی نیست. از سوی دیگر آتش جهنم و قبول‌نشدن طاعات از نتایج شوم نپذیرفتن ولایت در نظر این شاعر است:

يحلّ النار قوم أبغضوه وإن صلّوا وصاموا ألف عام

(همان)

ترجمه: دشمنان او در آتش‌اند هر چند هزار سال نماز بخوانند و روزه بگیرند.

۵.۲ نکوهش سقیفه

علی (ع) گوهر تابناک ولایت و مظلومی گمشده در سقیفه است و سقیفه نقطه جدایی مؤمنان از منافقان است، معیاری که تا قیامت محک شناخت حق از باطل خواهد بود. آن‌جا که منافقان فرمان مولای فقیدشان را نادیده انگاشتند و هوای نفس را رهبر خود دانستند و ولایت را غصب کردند و ناهلان را بر تخت خلافت نشانند. امری که دل محبان اهل بیت (ع) را به درد آورد و گوهر اشک را بر دیدگان نشانند. شاعران غدیریه‌سرا نیز از این مسئله مهم غافل نمانده‌اند و به انحای گوناگون به نکوهش ثقفیان پرداخته‌اند. محمد حمیری از آنان که علی (ع) را، با آن‌که مقدم و پیشوا بود، نادیده گرفتند بیزاری می‌جوید:

وأبرأ من أناس أخروه وكان هو المقدم بالمقام

(همان)

ترجمه: من از آنان که خلافت او را تأخیر انداختند بیزارم، چرا که او در این مقام بر همگان مقدم بود.

سید حمیری نیز به بیان عکس‌العمل منافقان می‌پردازد که بعد از وفات پیامبر (ص) گفته‌های او را فراموش کردند و هنوز او را به خاک نسپرده بودند که علی (ع) را رها کردند:

وَضَلَّ قَوْمٌ عَاضِمَ فَعْلَهُ كَأَنَّمَا أَنَا فَهُمْ تَجَدَعُ
حَتَّى إِذَا وَاوَاهُ فِي لِحْدِهِ وَانصَرَفُوا عَنِ دَفْنِهِ ضَيَّعُوا
مَا قَالَ بِالْأَمْسِ وَأَوْصَى بِهِ وَاشْتَرَوْا الضَّرَّ بِمَا يَنْفَعُ

(همان: ۲۱۹)

ترجمه: و آن جماعت که عمل پیامبر (ص) آنان را خشمگین کرده بود گمراه شدند، گویی که بینی‌شان به خاک مالیده شد و چون او را در خاک نهبان کردند و از دفنش فارغ شدند، هر چه را که دیروز گفته و بدان سفارش نموده بود ضایع کردند و نفع خود را به ضرر تبدیل کردند.

چه مصیبتی از این بالاتر که عهد و پیمان محمد (ص) در روز غدیر خم زیر پا گذاشته شود و امت وی دچار تفرقه شود. اما مسئول این مصیبت‌ها جز رهبران سقیفه و خلفای سه‌گانه چه کسی می‌تواند باشد؟ مهیار دیلمی ایشان را با تحکم خطاب می‌کند و مردم را از این‌که اجماع چند نفر را قبول کردند نکوهش می‌کند:

مِثَاقَهُ فِیهِمْ مَلْقَى وَأَمْتَهُ مَعَ مَنْ بَغَاهُمْ وَعَادَاهُمْ لَهُ شِيعِ
تَضَاعَ بِيَعْتِهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ لَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا وَتَحَاطِ الرُّومِ وَالْبَيْعِ
وَقَائِلِ لِي عَلِيَّ كَانِ وَارِثِهِ بِالنَّصِّ مِنْهُ فَهَلْ أَعْطَوْهُ أَمْ مَنَعُوا
فَقَلَّتْ كَانَتْ هِنَاتُ لَسْتِ يَجْزِي بِهَا اللَّهُ أَقْوَامًا بِمَا صَنَعُوا
أَطَاعَ أَوْلَهُمْ فِي الْغَدْرِ ثَانِيَهُمْ وَجَاءَ ثَالِثُهُمْ يَقْفُو وَيَتَّبِعِ

(دیلمی، ۱۹۹۹: ج ۲، ۲۰۰)

ترجمه: پیمان او را زیر پا گذاشتند و امت و انصار او با تجاوزکاران هم‌رأی گردیدند. بیعت او در روز غدیر تباه گشت حال آن‌که یهود و نصاری به‌خاطر پیمان در امان‌اند. کسی به من گفت: علی (ع) با فرمان رسول (ص) وارث خلافت بود، به او دادند یا محروم‌ش نمودند؟ گفتم فاجعه‌ای بود که بیانش نمی‌کنم، خداوند سزای این جماعت را ده‌داده‌د. آنان در مکر و حيله از سردسته آنان اطاعت کرد و سومی مطیع و دنباله‌رو آنان گشت. ولایت سنت خداوند در زمین است و در سنت خدا تغییری نیست. اما این منافقان بی‌محبا سنت خدا را تغییر دادند. منصور بالله، شاعر زیدیه و غدیریه‌سرای قرن هفتم قمری، چه زیبا افسوس خود را در خیانت ثقفیان و نقض سنت خداوند بیان می‌کند، افسوسی که در قالب آه و ناله از قلب داغ‌دیده‌اش بیرون می‌تراود و نزدیک است آن را از جا برکند:

خذ نَفْثَاتِي عَنْ فَوَادٍ مَنْصُوعٍ يَكَادُ مِنْ بَثٍّ وَحَزْنٍ يَنْقَطِعُ
لِحَادِثٍ بَعْدَ النَّبِيِّ مَتَّسِعٍ شَتَّتْ شَمْلَ الْمُسْلِمِينَ الْمَجْتَمِعِ

(امینی، ۱۳۷۱: ج ۵، ۴۱۸)

ترجمه: آه‌هایم را از قلبی سوخته، که از شدت غم و اندوه نزدیک است شکافته شود، دریاب. به سبب حادثه‌ای که پس از رحلت پیامبر (ص) اتفاق افتاد و جمع مسلمانان را به هم ریخت و متفرق کرد.

۳. اسلوب غدیریه‌های عربی

۱.۳ اسلوب ابتدایی غدیریه‌های عربی

با این‌که بحث غدیر بحثی اعتقادی است و شاعران با بیان و به‌تصویر کشیدن این قضیه مهم در صدد معرفی، تأیید، و اظهار ارادت قلبی خود به آن امام‌اند؛ با این حال می‌بینیم که تعداد فراوانی از شاعران ذوق سلیم و سلیقه ادبی به خرج داده و این امر مهم را در قالب غزل به رشته نظم کشیده‌اند. کمیت بن زید، سید حمیری، دعبل، صنوبری، ابوفراس، مهیار دیلمی، و سیدرضا هندی از جمله شاعرانی‌اند که پیش از پرداختن به ماجرای غدیر، با بیانی زیبا و غزل‌گونه، از عشق سخن گفته‌اند و آن را به تصویر کشیده‌اند؛ از درد هجران نالیده و در فراق یار بر اطلال گریسته و به‌گونه‌ای نیکو و ماهرانه این غزل را به جریان غدیر پیوند داده‌اند. اما در این میان شاعرانی‌اند که غزل را به سخره گرفته‌اند و گریه بر اطلال را امری بیهوده می‌دانند. ملک صالح، غدیریه‌سرای قرن ششم، بر یاران سفر کرده نمی‌گرید و بر اطلال و دمن نمی‌ایستد، زیرا این نوع عشق را همیشگی نمی‌داند و برای آن به هنگام پیری دیگر معنایی نمی‌بیند:

لا تَبْكُ لِلجيرةِ السارينِ في الظَّنِّ ولا تعرجِ على الأطلالِ والدَمَنِ
فليس بعد مشيب الرأسِ من غزل ولا حنينِ إلى إلفِ ولا سکنِ

(همان: ج ۴، ۳۴۱)

ترجمه: بر یاران سفر کرده در محمل گریه مکن و بر ویرانه‌های دیار یار نایست؛ چراکه پس از پیری نه غزلی می‌ماند و نه عشقی به یار و مونس.
پس توبه می‌کند و از بهترین مخلوقات خداوند یعنی رسول برگزیده خداوند شفاعت می‌جوید و دل به ولایت علی (ع) می‌سپارد:

وتب إلى الله واستشفع بخيرته من خلقه ذي الأبدى البيض والمنن
محمد خاتم الرسل الذي سبقت به بشاره قسّ وابن ذي يزن
فاجعله ذخرك في الدارين معتصما له وبالمرتضى الهادي أبي الحسن

(همان)

ترجمه: و به سوی خدا توبه نما و از بهترین خلقش، که صاحب خیر و منت و برکت هستند، شفاعت بجوی. محمد (ص) خاتم پیامبران است که قس بن ساعده و فرزند ذی یزن مؤدّه رسالتش را داده‌اند. او را ذخیره دنیا و آخرت قرار بده و به او و ابا الحسن، که ستوده راهبر است، پناه بر و به دامنش چنگ زن.

قاضی جلیس، شاعر معاصر ملک صالح، نیز طبق روال اکثر غدیریه‌ها، با نسیب شروع می‌کند، از لحظه سخت وداع می‌گوید که در وجودش جز غم و اندوه و اشک و انزوا چیزی به جای نگذاشته است. او گرچه پای‌بند به این عشق است، اما نیک می‌داند آن‌جا که سخن از اهل بیت (ع) به میان می‌آید، این عشق را یارای هم‌وردی با آنان نیست، پس ندای عشق را نشنیده می‌گیرد و دعوت خاندان رسول (ص) را اجابت می‌کند:

تصاممتن دأع الصّابة والصّبا وليت داعي آل أحمد إذ دعا
عشوت بأفكاري إلى ضوء علمهم فصادفت منه منهج الحق مهيعا

(همان: ۳۸۴)

ترجمه: ندای عشق را نشنیده گرفتم و دعوت منادی خاندان رسول (ص) را اجابت نمودم. اندیشه تاریک خود را در پرتو دانش آنان روشن ساختم و راه حقیقت را صاف و روشن دریافتم.

سیدعلی خان مدنی نیز قصیده خود را با غزل شروع می‌کند، اما نگاه او به نسیب‌نگاهی متفاوت است. شاعر از محبوب خود می‌گوید که عشقش حتی حجاج و زائران رکن و مقام را نیز به‌بند کشیده است، اما او هیچ‌گاه این عشق را مایه آرامش و نشاط نمی‌داند؛ زیرا آرمان او با محبوبی زمینی به تحقق نمی‌پیوندد، پس چگونه دلش به یاد او آرام خواهد گرفت؟ او در پی عشقی دیگر است که هرگز به عشاق دروغ نمی‌گوید و از گمراهی به‌دور است و آن عشق و محبت به علی (ع) و خاندان پاک اوست:

قد ضلّ طالب غادة حميت في قومها بالبيض والسم
ومؤنّب من حبّها سفها نهتهه عن منطلق الهجر

لا یکذبَنَّ الحَبَّ أَلِیقَ بَی
 وبشیمتی من سبِّه الغدر
 هیئات یأبى الغدر لی نسب
 أغری به لعلی الطَّهر

(همان: ج ۸، ۲۴۹)

ترجمه: آن‌که در پی زیبارخان رود همواره به گمراهی رفته است، هرچند با شمشیر و نیزه حمایت شود. من او را که از روی نادانی دل به عشق زیبارخان داده است سرزنش می‌کنم و او را از سخن‌گفتن دربارهٔ هجران آنان بازمی‌دارم. عشق من هرگز دروغ نمی‌گوید و فحش و ناسزای فریفتگی و گمراهی از من و اخلاقم به‌دور است. هیئات که این عشق از دروغ و حيله به دور است، زیرا نیاکان من به علی پاک و طاهر منسوب‌اند.

اما شاعران دیگر، که قصاید خود را با غزل شروع نکرده‌اند، از همان ابتدا به مدح خاندان عصمت و طهارت (ع)، ذکر فضایل امام (ع)، و توضیح جریان غدیر پرداخته‌اند. البته باید خاطر نشان کرد که غدیریه‌های عربی همه به سبک کلاسیک سروده نشده‌اند، بلکه در میان آن‌ها، مخصوصاً غدیریه‌های متأخر، شعر نو نیز به چشم می‌خورد، مانند شعر «معروف عبدالمجید» که شاعر متعهدانه، بسیار هنرمندانه، و با لحنی تحکم‌آمیز شعری سیاسی را در قالب شعر نو به رشتهٔ نظم درآورده است. شاعر ابتدا خود را در محضر امام علی (ع) معرفی می‌کند و اخلاص شیعی خود را اظهار می‌کند و تنفر خویش را از امویان، که پیام رسول (ص) را نادیده گرفتند، نشان می‌دهد، از مصیبتی که بر جامعهٔ مسلمانان عرب وارد شده است سخن می‌گوید که به‌واسطهٔ آن نامردان و بدکاران به نام اسلام و پیامبر (ص) بر جامعهٔ آنان حکومت می‌کنند و از اسلام جز نامی برجا نگذاشته‌اند، مبهوت عالم غرب و بی‌دینی گشته و خدا و قرآن را به‌فراموشی سپرده‌اند. او ریشهٔ همهٔ این بدبختی‌ها را از روزی می‌داند که عبا و برد نبوی از حضرت علی (ع) گرفته شد و به جای بیعت با او دست خلیفهٔ اول را فشردند:

فلتنخرس کلَّ إذاعات الفجَّار المسموعة والمرئیة

ولتنحرق صفحات الأحداث

وتصمت أخبار القتل

وأنباء السرقة

أفلم تسرق منك عبا تک البیضاء

والبرد النبوی الأشرف

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۱۷۲)

ترجمه: باید تمام رسانه‌های دیداری و شنیداری فاجران خاموش و صفحات حوادث سوزانده شود و اخبار کشتار و سرقت مسکوت بماند، مگر عبای سپید و برد نبوی شریف تو را سرقت نکردند؟

۲.۳ اسلوب انتهایی غدیریه‌های عربی

موضوع درخور توجه و بارز در سبک انتهایی غدیریه‌های عربی سبک اقناعی این قصاید است. شاعران غدیریه‌سرا معمولاً در ضمن پرداخت به ماجرای غدیر، با بیانی انکاری و استفهامی، فضایل امام (ع) را برمی‌شمرند و به‌گونه‌ای این ویژگی‌های اخلاقی را بیان می‌کنند که کاملاً در ذهن خواننده تثبیت شود و مخاطب به این فضایل و سجایا اقرار کند. بنابراین لحن شاعران چنان نشان می‌دهد که این اخلاقیات در وجود مقدس امام (ع) وجود دارد و شکی در آن‌ها نیست و هدف فقط تقریر و اعتراف است. گرچه در بعضی موارد غرض از استفهام در شعر شاعر توییح است، آن هم به‌سبب نادیده‌گرفتن امام (ع) که چون خورشیدی درخشان در آسمان تاریخ جهل و گمراهی نورافشانی می‌کند، اما آنان که خود را به نابینایی زده‌اند هرگز نخواهند دید.

۴. پردازش زیبایی‌شناسی غدیریه‌های عربی

غدیریه‌ها سراسر اظهار ارادت و بیان سجایای اخلاقی و معرفی بیش‌تر امام علی (ع) هستند، اما این امر مانع از استفاده هنرمندانه شاعر از تصاویر شعری زیبا و بدیع نیست و پای خیال در این تصاویر بسته نیست. انواع جناس، کنایه، استعاره، و صنایع بدیعی زیبا چون طباق، تکرار، حسن تعلیل، و مراعات‌النظیر در اشعار غدیر همه نشان‌دهنده قدرت شعری بی‌نظیر این غدیریه‌سرایان است که از شعر آن‌ها تابلویی زیبا و جذاب در مقابل مخاطب ساخته و باعث شده است اشعارشان طی تاریخ جاودانه بماند و سینه به سینه به نسل‌های دیگر منتقل شود. برای مثال ابوفراس در غدیریۀ خود، که آن را به زیور غزل آراسته است، از انواع متنوع تشبیه، تشبیه بلیغ، و تشبیه مقلوب ماهرانه بهره برده است:

فی لیلة حسنّت لنا بوصاله فكأنّما من حسنّها إیّاه
وكانّما فیها التّریّا إذ بدت كفّ یشیر إلیّ الذی یهواه

ترجمه: در شبی که از وصال او برای ما زیبا گشته بود، گویی که شب در زیبایی به‌سان محبوب ما گشته بود و گویا در آن شب ستاره‌تریا چون کف دستی به محبوبش اشاره می‌کرد.

علاوه‌بر تشبیه ابوفراس در بیان زیبایی محبوب از استعاره نیز غافل نشده است:

ظبی لو أنّ الدرّ مرّ بخده من دون لحظة ناظر أدماء

(همان)

ترجمه: محبوبم چنان غزالی است که اگر مروارید اشک بر گونه‌اش بغلتد، بدون نگاه بیننده‌ای او را خونین خواهد کرد.

البته باید خاطر نشان کرد که استطراد و پراکنده‌گویی خود یکی از عناصر مهم زیبایی‌شناسی در شعر ابوفراس است. او ابتدا قصیده خود را با نسیب آغاز می‌کند و پس از ذکر ابیاتی در این مجال، با هنرمندی بسیار بدیع، گریزی به مرثیه می‌زند و موضوع را از غزل به ذکر مصائب امام حسین (ع) می‌کشاند و پس از آوردن ابیاتی چند باز موضوع را تغییر می‌دهد و به مناقب امام علی (ع) می‌پردازد. البته باید گفت این گریززدن‌ها با رابطه برقرار می‌شود، برای مثال می‌بینیم که شاعر چه زیبا از غزل به رثا پرداخته است:

فحرمت قرب الوصل منه مثلما حرم الحسين الماء وهو يراه

(همان)

ابوتمام نیز از غدیریه‌سرایان زبردستی است که با به‌کارگیری صنایع بیانی در شعر خود زیبایی را به حد اعلی رسانده است. او برای نکوهش آنان، که از بیعت با امام علی (ع) سر باز زدند، چنین می‌گوید:

سبحدوكم إستسقاؤكم حلب الردى إلى هوة لا الماء فيها ولا الخمر
سأتم عبور الضحل خوضاً فأية تعدونها لو قد طغى بكم البحر

(امینی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۳۴۲)

ترجمه: به‌زودی این آب‌جویی از پستان مرگ شما را به پرتگاهی می‌کشاند که آب و شرابی در آن نیست. شما که از فرو رفتن در جویی خرد به ستوه آمدید، آن‌گاه که دریا بر شما بشورد، چه می‌کنید؟

استعاره مکنیه در عبارات «حلب الردی» و استعاره مصرحه در عبارت «طغی بکم البحر» بر پویایی شعر ابوتمام افزوده است.

ابوالحسن امین مقدسی و اعظم شمس‌الدینی فرد ۱۹

غدیریۀ سیدرضا هندی نیز سرشار از آرایه‌های زیبای ادبی است و همین امر اثرش را ماندگار کرده است. نمونه‌هایی از این آرایه‌ها را در اشعار او متذکر می‌شویم:

والخال بخدک أم مسک تقطت به الورد الأحمر

(موسوی، ۱۳۷۰: ۱۰)

ترجمه: این خال گونه‌توست یا مشک‌کی که بدان گل سرخ چهره‌ات را نقطه‌گذاری؟ در این بیت دو صنعت زیبا در کنار هم این بیت را به اثر ادبی زیبایی تبدیل کرده است. مورد اول صنعت تجاهل‌العارف است که با استفهام انکاری زیباتر جلوه کرده است و مورد دوم استعاره است که در «الورد الأحمر» جاری شده و استعاره از گونه است.

فدم العنقود ولحن العود يعيد الخیر وینفی الشرّ

(همان)

ترجمه: چرا که خون انگور و نغمه‌ عود خوبی را باز می‌آورد و بدی را دور می‌کند. «دَمُ العنقود» کنایه از شراب است و در واژه‌های «خیر» و «شر» طباق وجود دارد.

قطبا للحرب یدیر الضرب ویجلو الکرب بیوم الکرب

(همان)

ترجمه: تو به‌مثابه‌ محور جنگ‌ها بودی که کارزار را اداره می‌کردی و اندوه را می‌زدودی. در واژه‌های «کرب» و «کر» جناس وجود دارد که همین امر باعث هم‌افزایی موسیقی درونی بیت می‌شود.

أمفلّج نغرك أم جوهر ورحیق رضابک أم سکر

(همان)

ترجمه: آیا این دندان‌های میان‌دار توست یا گوهری درخشان؟ و آیا این شهد دهان توست یا شکر؟

صنعت تجاهل‌العارف از استفهام در مصراع‌ها کاملاً مشهود است.

آیات جلالک لا تحصی وصفات کمالک لا تحصر

(همان)

ترجمه: نشانه‌های جلال و شکوه تو شمارش‌شدنی نیست و صفات کمال تو نامحدود است.

صنعت «ترصیع» و رعایت قافیه‌های داخلی در «آیات و صفات» و «جلال و کمال» دیده می‌شود که همه این موارد علاوه بر زیبایی اشعار به موسیقی درونی ابیات نیز افزوده‌اند. البته استخدام صور شعری در اکثر غدیره‌ها وجود دارد، ولی این فراوانی‌ها متغیر است. با مطالعه غدیره‌ها در قرون مختلف می‌توان دریافت این آثار در قرن‌های اولیه از حرارت و شور بیش‌تری برخوردارند. نزدیکی زمان شاعران به زمان غدیر خود می‌تواند دلیلی بر این مدعا باشد. از طرف دیگر، دوره‌های صدر اسلام و بنی‌امیه و اوایل عباسی دوران رشد و شکوفایی شعر است که دلیل این امر سیاسی شدن ادبیات نیز است. اما هر چه به دوران انحطاط نزدیک می‌شویم، به دلیل نبود فضای مناسب و ضعف تعامل سیاسی با شیعیان از حرارت شعر کاسته می‌شود. غدیره‌سرایان این دوره عمدتاً شاعر نبوده‌اند، بلکه فقیه، محدث، راوی، قاضی، و غیره بوده‌اند که در کنار شغل خود شعر نیز می‌سرودند، یعنی شعر این دوره به وادی فقها و محدثان کشیده می‌شود؛ از همین رو می‌بینیم که شعر آن‌ها بیش‌تر جنبه روایی و تاریخی دارد تا جنبه ادبی. یعنی شاعر به حفظ امانت اهتمام بیش‌تری گمارده تا حفظ جنبه ادبی اثر. این روند تا حدود قرن دوازدهم ادامه می‌یابد، اما بعد از این سیر نزولی دوباره سیر صعودی در غدیره‌ها را شاهدیم. به‌طور واضح می‌توان این اختلاف را در شعر سیدرضا هندی مشاهده کرد. او با استفاده از گستره خیال، عاطفه قوی و صادق، و به‌کارگیری صنایع بلاغی زیبا و بدیع به غدیره خود شور و حرارت بارزی می‌بخشد. بولس سلامه نیز با این‌که شاعری مسیحی است، اما توانسته است با توصیفات جزئی و نگاه ریزبینانه ملحمه‌ای طولانی، زیبا، و تأثیرگذار بیافریند. در قرن پانزدهم نیز با سبک جدید شعر، یعنی شعر نو، روبه‌رو می‌شویم که در جای خود اثری بسیار زیبا و بدیع است.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه و بررسی غدیره‌های عربی در قرون مختلف ادبیات عربی حاکی از آن است که:

۱. در شعر عربی درون‌مایه‌هایی از قبیل ابراز ارادت به آستان مقدس امام علی (ع)، برائت از دشمنای وی، بیان فضایل اخلاقی امام (ع)، توصیف ماجرای غدیر، و نکوهش سقیفه بیش‌ترین فراوانی را به خود اختصاص داده است و غدیره‌سرایان در قالب این موضوعات ولایت‌مداری خود را به آن امام گرامی نشان داده‌اند.

۲. صدق عاطفه و شور دینی حق‌گرایی به جای مصلحت‌طلبی، ظلم‌ستیزی، و عدالت‌محوری، اشاره و استدلال به وقایع و رخداد‌های مسلم تاریخ و تصویرسازی پویا و اثرگذار از غدیر از ویژگی‌های مهمی است که غدیره‌های عربی بدان‌ها مزین شده است.

۳. از حیث خیال و زیبایی‌شناسی می‌توان گفت در صدر اسلام و دوره‌های نزدیک به آن، به‌علت قربت شاعران با بحث غدیر، غدیره‌ها از شور و حرارت بیش‌تری برخوردارند و غدیره‌سرایان در این نوع اشعار عنان خیال خود را رها کرده و قصاید خود را طبق روال رایج قصاید عربی با غزل شروع کرده‌اند و با استخدام تصاویر شعری زیبا، تشبیهات، استعارات، و صنایع بدیعی جذاب در زیباسازی اشعار خود کوشیده‌اند، اما رفته‌رفته با شروع دوره انحطاط غدیره‌ها بیش‌تر جنبه‌روایی و تاریخی پیدا کردند تا جنبه ادبی و شاعران به حفظ امانت اهتمام بیش‌تری گماردند تا حفظ جنبه ادبی اثر. البته این امر پایدار نماند و در حدود قرن دوازدهم شاعران غدیره‌سرا دوباره میراث غدیره‌سرایان متقدم را احیا کردند و باز هم پای خیال و زیبایی‌های بلاغی به غدیره‌های عربی گشوده شد.

غدیره‌های عربی فقط در قالب شعر عمودی و کلاسیک سروده نشده است، بلکه در قرن حاضر با اشعار نو مانند غدیره معروف عبدالمجید، غدیره‌سرای قرن معاصر، نیز مواجه می‌شویم.

کتاب‌نامه

- ابوتمام (۱۹۹۷). *دیوان ابوتمام*، تقدیم و شرح محیی‌الدین الصبحی، بیروت: دار صادر.
- أبو فراس (۱۴۲۸ ق). *دیوان أبی فراس الحمدانی*، شرح خلیل الدویهی، بیروت: دار الکتب العربی.
- امین، محسن (۱۹۵۰). *أعیان الشیعة*، بیروت: انصاف.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۷۱). *الغدیر فی الکتاب و السنة والأدب*، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- بستانی، بطرس (۱۹۹۰). *أدباء العرب فی العصر العباسیة*، بیروت: دار الجیل.
- بغدادی، خطیب (۱۹۸۶). *تاریخ بغداد أو مدینة السلام*، ج ۲، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تبریزی، محمدعلی (بی‌تا). *ریحانة الأدب*، ج ۱، تبریز: شفق.
- حسان بن ثابت انصاری (۱۹۲۹). *دیوان حسان بن ثابت انصاری*، شرح عبدالرحمن برقوفی، مصر: مطبعة الرحمانیة.
- دیلمی، مهیار (۱۹۹۹). *دیوان مهیار الدیلمی*، شرح أحمد نسیم، ج ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- السید، کمال (۲۰۰۴). *بولس سلامة شاعر الغدیر و كربلاء فی الزمن الأخير*، بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.

۲۲ نیم‌نگاهی به غدیریه‌های عربی

الشریف الرضی (۱۹۹۹). *دیوان الشریف الرضی*، شرح محمود مصطفی الحلاوی، بیروت: دار الأرقم.
عبدالمجید، معروف (۱۴۲۰ ق). *بلون الغار بلون الغدیر*، قم: مرکز الدیحات العقائدیة.
موسوی هندی، سیدرضا (۱۳۷۰). *چکامه کوثریه یادواره غدیر خم*، تهران: طور.